



كشف الأوهام

| في حلية شرب الغليان في شهر الصيام |

ميرزا محمد تقى نوري مازندراني والد محدث نوري

مقدمه، تحقيق وتصحيح:

عليرضا البلخي

•
新 同 理
•



تقدیم به:

استاد رسول جعفریان
برای آنچه آموخته‌ام؛ برای دانش، همت، کوشش و بخشش علمی
جناب استاد.



كشف الأوهام | في حلية شرب الغليان في شهر الصيام |

ميرزا محمدتقي نوري مازندراني (١٢٦٣-١٢٠١ ق) والد محدث نوري

مقدمه، تحقيق وتصحيح: السيد رضا البازم

سرشناسه: نوری مازندرانی، محمدتقی بن علی محمد، ۱۲۰۱. ۱۲۶۳ق.
 عنوان و نام پدیدآور: کشف الاوهام [فی حلیة شرب الغلیان فی شهر الصیام] / محمدتقی نوری مازندرانی والد
 محدث نوری؛ مقدمه، تحقیق و تصحیح: علیرضا اباذری.
 مشخصات نشر: قم: آیین شریعت، ۱۴۰۲ش.
 مشخصات ظاهری: ۲۷۶ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۴۴-۰۱-۷
 وضعیت فهرست نویسی: فیا.
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۶۳ - ۲۷۶: همچنین به صورت زیر نویس.
 یادداشت: نمایه.
 موضوع: قلیان - فتاواها / Hookahs - Fatwas
 موضوع: توتون - فتاواها / Tobacco - Fatwas
 موضوع: روزه (اسلام) - فتاواها / Fasting - Religious aspects - Islam - Fatwas
 موضوع: فتاواهای شیعه - قرن ۱۴ / fatwas, shiites - 20th century
 موضوع: فقه جعفری - رساله عملیه / Islamic law, Ja'fari - Handbooks, manuals, etc
 موضوع: قلیان / Hookahs
 موضوع: توتون / Tobacco
 شناسه افزوده: اباذری، علیرضا، ۱۳۵۳- . مصحح، مقدمه نویس.
 زده بندی کنگره: ۱۹۸ / BP ۶
 زده بندی دیوبند: ۲۹۷/۳۷۹
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۲۱۸۷۴

کشف الاوهام [فی حلیة شرب الغلیان فی شهر الصیام]

محمدتقی نوری مازندرانی (والد محدث نوری)

تصحیح و مقدمه: علیرضا اباذری

ناشر: آیین شریعت

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۲ش

شمارگان: ۵۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۴۴-۰۱-۷





فهرست



۷.....	مقدمه
۹.....	تاریخچه تنباکو و پیدایش قلیان
۱۹.....	آثار اجتماعی، ادبی و سیاسی
۲۵.....	رساله‌های نگاشته شده درباره تنباکو و قلیان
۳۵.....	شرب تنن از تحریم تا عدم مفطرت؛ سیری کوتاه تا ابتدای قرن ۱۴
۵۵.....	شرح احوال نویسنده
۵۵.....	زنده‌ای در بین مردگان
۵۷.....	وفات
۵۸.....	حدیث دیگران درباره مؤلف
۵۹.....	اوضاع اجتماعی و شکایت از روزگار
۶۱.....	جایگاه علمی
۶۲.....	آثار
۶۷.....	فتاویٰ خاص
۶۸.....	کتاب حاضر و ماجراهای آن
۸۴.....	نسخه شناسی و روش کار
۸۶.....	تشکر و اعتذار
۸۷.....	تاخیر و انصراف
۸۹.....	بسم الله الرحمن الرحيم
۸۹.....	کشف الأوهام [فی حلیة شرب الغلیان فی شهر الصیام]
۱۱۶.....	بحث اول: در بیان پاره‌ای از قواعد و امور که مدخلیت در فهم حکم این مسئله دارد.
	مبحث دوم: در بیان اوهامی که در این مقام نموده‌اند و به آنها تمسک کرده‌اند در مقام اختلال فتویٰ به جواز... ۱۳۸
۱۳۸.....	وهم اول
۱۵۳.....	وهم دوم
۱۵۵.....	وهم سیم
۱۶۸.....	وهم چهارم
۱۸۰.....	وهم پنجم
۱۹۱.....	وهم ششم
۱۹۸.....	بحث سیم در بیان ادله اصل مطلب است
۱۹۸.....	اول
۱۹۹.....	دویم

٢٠١.....	سيم
٢٠٣.....	چهارم
٢٠٨.....	پنجم
٢٣١.....	ضمائم
٢٣١.....	١. سؤال و جواب سيد شفتى
٢٤٠.....	٢. مقدمه ابرام النقض
٢٤٦.....	الخميلة السادسة: في حرمة التتن
٢٥١.....	الخميلة السابعة

منابع و مأخذ / ٢٥٣



تأثیرگذاری مباحث و احکام فقهی در زندگی اجتماعی و شخصی مردم، امری آشکار است چه آن که فقه عبارت است از علم به احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی آنها. و این احکام شرعی مجموعه قوانین و مقرراتی است که برای اصلاح امور معاش و معاد مردم و جامعه وضع شده است.^(۱)

گاهی در این میان اموری حادث می شود که قبلاً نبوده و باعث شکل گیری مباحث تازه ای می شود. از سوی دیگر تا شکل گیری و قوام یافتن آن مباحث، مسائلی پیش می آمده که در دایره مباحثات فقهی و علمائی گنجانده می شود؛ البته اختلاف آراء فقهی، گاهی به مباحثی کشیده شده که جامعه را سخت تحت تأثیر گذاشته، با این وجود و رای همه این مباحث و جدال های فقهی، آنچه از فقهای شیعه در ادوار مختلف سراغ داریم، قدس و طهارت و مبارزه با نفس است. بنابراین ما

۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود: موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب أهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۱۸.

این مباحثات و اختلافات را در محدوده فقهی آن می‌دانیم نه مسئله‌ای دیگر.

در این راستا، یکی از مباحثی که تقریباً از اوایل قرن یازدهم در مجامع فقهی شیعه و سنی رایج شد، به پیدا شدن گیاهی به نام تنباکو برمی‌گشت که قبل از آن نبود. استفاده از تنباکو مباحث مختلفی را ایجاد کرد که تا مدت‌ها محافل و مدارس فقهی به آن می‌پرداختند.

پس از دوره صفویه و با روی کار آمدن قاجاریه، همزمان با ترویج سراسری تنباکو و قلیان، این بحث شدت بیشتری پیدا کرد و رساله‌های مختلفی درباره حلیت یا عدم حلیت و مفطر بودن یا نبودن آن نوشته شد. در این بین یک فتوا و گویا عمل به آن از یک فقیه محلی در مازندران باعث حرف و حدیث‌هایی شد. میرزا محمد تقی نوری مازندرانی (والد محدث نوری) قائل به عدم مفطرت دخان بود و به گفته صاحب قصص العلماء ظهر ماه رمضان علانیه بر روی منبر قلیان می‌کشید. با این که قائلین به عدم مفطرت دخان در آن زمان و پیش از آن، افراد برجسته‌ای بودند؛ ولی طبق سیره علما احتیاط می‌کردند. میرزا محمد تقی با این عمل باعث شد فقیه برجسته این عصر، یعنی حجة الاسلام سید محمد باقر شفتی موضع سختی بگیرد و موجب درد سر برای وی شود.

پس از این ماجرا، وی در دفاع از خود رد اشکالات وارده، رساله‌ای نوشت با نام کشف الاوهام و جواب ایرادات و اشکالات را داد و ضمناً دیدگاه خود را شرح داد. البته وی در این رساله ضمن مباحث فقهی، به آنچه بر او رفته از سختی‌ها، مشکلات

و سرزنش‌ها پرداخته و بخش زیادی از رساله او به گلایه از اوضاع اجتماعی و ... گذشته است. این رساله جذاب، سرنوشت یک بحث فقهی و تأثیر آن را در جامعه بیان می‌کند. آنچه در این مجال خدمت خوانندگان گرامی ارائه می‌شود، ابتدا مقدمه‌ای است بر پیدایش این بحث و سپس متن رساله خواهد آمد.

در مقدمه سعی می‌شود برای روشن شدن بحث، این موارد مختصراً ارائه شود:

تاریخچه تنباکو و ورود آن به مباحث فقهی
 رساله‌های نگاشته شده درباره تنباکو و قلیان
 شرب تن از تحریم تا عدم مفطرت: سیری کوتاه تا قرن ۱۴
 شرح حال مختصر نویسنده رساله
 جنجال بر سرفتوای او و موضع‌گیری سید شفتی
 ضمائم حاوی ۱. رساله سید شفتی ۲. ابتدای نسخه خطی
 ابرام النقض ۳. بخشی از خمائل شیخ یعقوب حویزی بختیاری.

❖ تاریخچه تنباکو و پیدایش قلیان

تاریخ دقیق پیدایش تنباکو مشخص نیست، ولی گفته شده زمانی که کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲ م به قاره امریکا رفت، همراهان او بومیان را دیدند که گیاهی را دود کرده و از آن استفاده می‌کنند.^(۱) وی هنگام بازگشت خود به اسپانیا در سال ۱۴۹۳ م (۸۹۸ ق) مقداری از این گیاه را به عنوان یکی از کشفیات خود

۱. کسروی، احمد: تاریخچه شیر و خورشید تاریخچه چپوق و قلیان، به کوشش عزیزالله علیزاده، تهران، فردوس، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۷۳.

آورد. با این وجود در سال ۱۵۵۸ م (۹۳۶ ق) بود که پزشکی اسپانیایی به نام فرانسیسکو فراندیس با سفر به امریکا، دانه تنباکورا به اسپانیا آورد و تا مدت‌ها این گیاه به عنوان دارو در اروپا استفاده می‌شد.^(۱)

چند دهه بعد، دودکشی در انگلستان و سپس اروپا رایج شد. به علت گستردگی امپراتوری عثمانی در اروپا، استعمال چپق و قلیان در اواخر قرن دهم در مناطق تحت سیطره آن رایج و وارد دنیای اسلام شد.

در جهان اسلام، در یک ماده تاریخ سال ۱۰۰۰ برای رواج آن در مصر بیان شده است. مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی (م ۱۰۳۳ ق) در مصر رساله‌ای دارد با عنوان «تحقیق البرهان فی شأن الدخان الذی یشربه الناس الآن». کتاب وی از اولین تألیفات در این زمینه می‌باشد. در ملحقات این کتاب ماده تاریخی آمده به این شکل:

سألونی عن الدخان و قالو

هل به فی کتابنا ایماء؟

قلت ما فرط الكتاب بشيء

ثم ارجحت «يوم تأتي السماء»^(۲)

رواج تنباکو در شام و مغرب در سال‌های ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶ ق بود.^(۳) در یمن و فقه زیدی یک رساله مختصر با نام «المواعظ

۱. همان، ص ۷۴؛ قابل ذکر آن که کسروی تاریخ دقیق سال‌ها را بدون استناد می‌آورد و دانسته نیست که این تواریخ دقیق را از کجا ذکر می‌کند.

۲. مدرسی طباطبائی، سید حسین؛ دخانیات فقه؛ نموداری از مشترکات فرهنگی میان دو سنت فقهی سنی و شیعی (کتاب تاریخیات)، نیوجرسی، زاگرس، ۱۳۸۷، ص ۱۷۹.

۳. همان، ص ۱۸۰.

الحسنة الحسينية^(۱) فی مُسْتَعْمِل شرب التتن و شجرته الخبيثة و آله القبيحة» وجود دارد. در مؤلف و تاریخ تألیف این رساله مناقشه‌های جدی وجود دارد. محقق آن در صفحه عنوان، مؤلف این رساله را عمادالدین یحیی بن احمد بن محسن الصنعانی دانسته است. اما در صفحه عکسی آن نام مؤلف السید عماد الدین یحیی بن ...^(۲) محمد بن الحسن آمده است.

نکته مهم در باب مؤلف و دوره اوست. محقق رساله در کمال شگفتی وی را عمادالدین یحیی بن احمد بن مظفر پنداشته است در حالی که نام وی آشکارا عمادالدین یحیی ... بن محمد بن الحسن ذکر شده است.^(۳) محقق، با اصرار و قلم فرسایی سعی کرده رساله را به ابن مظفر از علمای مشهور زیدیه در قرن نهم نسبت بدهد. به عبارت دیگر، وی دو عمادالدین یحیی را یکی پنداشته است. در فاصله چند قرن وجود دو عمادالدین یحیی هیچ بعید نیست، حتی در یک زمان ممکن است دو نفر

۱. در عکس عنوان نسخه خطی آن آشکارا الحسنة آمده است.

۲. یک کلمه ناخواناست.

۳. در همین راستا، محقق المواعظ الحسنة در تعلیقات خود هنگام ذکر نام المتوکل علی الله، وی را مطهر بن محمد ملقب به المتوکل علی الله (م ۸۷۹ ق) دانسته است. در حالی که چند سطر بعد، از المنصور بالله قاسم بن محمد (م ۱۰۲۹ق) و فرزندش المؤید بالله (م ۱۰۵۴ق) نام برده است.

ضمن آن که در بین ائمه زیدیه چند المتوکل علی الله وجود دارد. از جمله: المتوکل علی الله عثمان بن محمد (م ۸۹۳ق)، المتوکل علی الله اسماعیل بن قاسم (م ۱۰۸۷ق)، المتوکل علی الله قاسم بن حسین (م ۱۱۳۹ق) و المتوکل علی الله منصور بن حسین (م ۱۲۳۱ق).

همچنین چندین عمادالدین یحیی در بین علمای زیدیه هست که جهت اطلاع بیشترن. ک: طبعات الزیدیه الکبری، ج ۲، ص ۹۲۱ که از عمادالدین یحیی بن احمد بن مرغم در ج ۳، ص ۱۲۰۸ قاضی عمادالدین یحیی بن احمد بن عوض اسدی م ۱۱۰۶ ق و عمادالدین یحیی بن محمد حنش م ۱۰۲۸ و عمادالدین یحیی بن محمد معروف به صغیر نام می‌برد.

با نام عماد الدین یحیی وجود داشته باشند.

یحیی بن احمد بن مظفر (م ۸۷۵ ق) از فقهای مشهور زیدیه در قرن نهم مؤلف آثار متعددی است. از جمله آثار مشهور او البیان الشافی المنتزع من البرهان الکافی، الکواکب علی التذکره و... است.^(۱)

ادعایی که محقق رساله سعی در اثبات آن دارد این است که مؤلف رساله المواعظ الحسنة همان ابن مظفر (م ۸۷۵ ق) می باشد و این رساله قبل از کشف تنباکو در قاره آمریکا نوشته شده، بنابراین تنباکو زودتر از قاره آمریکا وجود داشته است!^(۲) پیش تر ذکر شد که کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲م (۸۹۷ ق) هنگام کشف قاره آمریکا تنباکو را دید و سال بعد به اسپانیا آورد. دود کردن آن نیز سال ها بعد در قاره اروپا رایج شد و سپس به مستعمرات پرتغال و... وارد شد. این ماجرا حدود یک قرن طول کشید. اما در کمال تعجب محقق رساله المواعظ الحسنة ادعا کرده که ابن مظفر متوفی ۸۷۵ ق مؤلف این رساله است و المواعظ الحسنة قبل از کشف تنباکو در آمریکا نوشته شده است!

چند نقض بر این ادعای محقق المواعظ الحسنة وارد است: یکی آن که: مؤلف رساله، ابن مظفر نیست، بنابراین تاریخ مذکور درست نیست.

۱. برای شرح حال او ن. ک: مؤید بالله ابراهیم بن قاسم: طبقات الزیدیه الکبری، صنعاء، مؤسسة الامام زید بن علی الثقافیة، طبع اول، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۱۲۰۵؛ شوکانی، محمد: البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۸۸۰.
۲. المواعظ الحسنة، ص ۱۳.

دوم آن که: در متن نشانه‌های آشکاری هست که مربوط به قرن یازدهم به بعد است، از جمله وجود قلیان و اوصاف آن. در متون موجود قبل از قرن یازدهم هیچ نشانه‌ای از وجود قلیان نیست و ابن مظفر نمی‌تواند مؤلف این رساله باشد.

سوم: ابن مظفر در مهم‌ترین اثر فقهی خود یعنی البیان، در کتاب الصیام در باب مبطلات روزه می‌نویسد: مسئله؛ ولا یفسده ما تعذر الاحتراز منه کالدخان و لو کثرو لو تعمده و کالغبار ما لم یکثر...^(۱)

چهارم: قلیان مدت‌ها پس از کشف تنباکو و در اوایل قرن یازدهم در جنوب هند رایج شد. هیچ نشانه‌ای از وجود قلیان پیش از این تاریخ در جزیره العرب وجود ندارد.

پنجم: در کتب و متون زیدیه، هنگام یادکرد از ابن مظفر، هیچ اثری از المواعظ الحسنه نیست. چگونه فقهی مشهور که آثارش مورد توجه بوده و نواده‌اش در حفظ آنها کوشش داشته، در گمنامی بماند و یک دفعه کشف شود!

نکته دیگر درباره شیوع قلیان در جزیره العرب؛ با این که مشهور شده در سال ۱۰۱۲ ق تنباکو در مصر و شام رایج شد، سال ورود قلیان به مکه را ۱۱۱۲ ق دانسته‌اند.^(۲) البته یک نقل کوتاه درباره وجود تنباکو در مکه و مدینه در همان سال‌های دهه دوم قرن یازدهم وجود دارد. اسد بیگ قزوینی مورخ ایرانی، از قول یک

۱. ابن مظفر، عماد الدین یحیی: البیان الشافی المنتزع من البرهان الکافی، چاپ افست عبدالله اسماعیل غمضان، صنعاء، مجلس القضاء الاعلی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲. سباعی، احمد: تاریخ مکه، مکه، مکتبه احیاء التراث الاسلامی، چاپ هشتم، ۱۴۲۰ ق، ص ۳۹۹.

صاحب منصب دربار اکبر شاه نقل کرده که تنباکو در این زمان در مکه و مدینه شایع بوده است.^(۱)

در باب تاریخ ورود تنباکو و به تبع آن قلیان به ایران، مانند سایر مناطق دیدگاه دقیقی وجود ندارد.

برخی پذیرفته اند که تنباکواز طریق عثمانی وارد ایران شده و در مقابل ورود آن توسط پرتغالی‌ها را رد کرده‌اند. به علت مراودات موجود، شاید پذیرفتنی باشد، اما در این زمینه شاهدی ارائه نکرده‌اند.^(۲) قولی هست که تنباکو در نیمه قرن دهم توسط پرتغالی‌ها به ایران وارد شد. در همین زمینه به بیتی منسوب به اهلی شیرازی (م ۹۴۳ ق) استناد می‌شود^(۳) که یک رباعی در وصف قلیان کشیدن معشوق گفته است:

قلیان ز لب تو بهره‌ور می‌گردد

نی در دهن تو نیشکر می‌گردد

بر گرد رخ تو دود تنباکو نیست

ابری است که برگرد قمر می‌گردد

این رباعی در کلیات اشعار اهلی شیرازی یافت نشد، ولی در حدائق المعانی به او منسوب شده است.^(۴) در بین معاصرین گویا اولین بار ابراهیم پورداود این رباعی را از حدائق المعانی نقل کرده^(۵) و پس از او محمد حسن سمسار این نسبت را بدون ذکر

۱. رساله تاریخ اسد بیگ قزوینی، ص ۶۷.

۲. آل داود، سید علی؛ سابقه تنباکو و نکوهش آن در ادب فارسی ایران و هند، مجله نامه پارسی، ش ۵، ۱۳۷۶، ص ۴۴.

۳. سابقه تنباکو و نکوهش آن در ادب فارسی ایران و هند، ص ۴۴.

۴. شاکر، عبدالرحمن؛ گلستان مسرت معروف به حدائق المعانی، چاپ سنگی، کانپور، مطبع محمد مصطفی خان مصطفائی، ۱۲۶۶ ق، ص ۴۴۱.

۵. پورداود، ابراهیم؛ هرمزنامه، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۲۱۹.

سند، در مقاله‌ای آورده^(۱) و بقیه به پیروی از او تکرار کرده‌اند. اما در این جا دو تردید وجود دارد. یکی این که قبل از قرن یازدهم، نقل و شاهد برجسته‌ای غیر از رباعی مذکور درباره وجود تنباکو و قلیان در ایران در دست نیست^(۲) بلکه از دهه سوم قرن یازدهم است که شواهد قلیان در متون دوره صفوی دیده می‌شود. دوم آن که این رباعی در دیوان چاپی اهلی شیرازی وجود ندارد.^(۳) همچنین این سؤال وجود دارد که حتی اگر این رباعی از اهلی شیرازی بوده و در نسخ موجود کلیات او نیامده، چگونه در تذکره‌های معاصر یا نزدیک به عهد او از این رباعی اثری نیست ولی از تذکره‌ای در قرن سیزدهم سر در می‌آورد؟

با این وجود، قطعی است که تنباکو توسط پرتغالی‌ها به ایران وارد شد هر چند که در زمان دقیق ورود آن اختلاف است. پرتغالی‌ها حدود صد سال بر جنوب ایران مسلط بودند و تنباکو را به جنوب ایران و جنوب هند وارد کردند. به همراه تنباکو، وسایل دودکردن آن نیز رایج شد. گواهی که پیش از قلیان، چپق یا وسیله شبیه به آن وارد شده و دودکشی با آن وجود داشت. همچنین نقل شده که در سال ۱۰۱۲ ق یا در دهه نخست قرن یازدهم تنباکو وارد ایران شد.^(۴)

۱. سمسار، محمدحسن؛ نظری به پیدایش قلیان و چپق در ایران، مجله هنر و مردم، ش ۱۷، ۱۳۴۲، ص ۱۵.

۲. متی، رودی؛ تنباکو در ایران، ترجمه حسن زندیه و فاطمه عباسی، مجله تاریخ روابط خارجی، ش ۴۲، س ۱۳۸۹، ص ۱۷۳.

۳. اهلی شیرازی، محمد بن یوسف؛ کلیات اشعار، تصحیح حامد ربانی، تهران، سنائی، ۱۳۴۴، ص ۷۰۸ به بعد.

۴. تاریخیات، ص ۱۸۰.

اما درباره پیدایش قلیان گفته شده که اولین بار، ایرانیان آن را اختراع کردند که سندی از آن در دست نیست. طبق نظر محققین، پیدایش قلیان در هند بوده^(۱) و سپس ایرانیان به تزئین و ساخت هنری آن پرداختند. درباره پیدایش قلیان، نقلی هست که در دربار اکبر شاه هند، یکی از اطبای ایرانی به نام ابوالفتح مسیح الدین گیلانی^(۲) (۹۵۴ - ۹۹۷ ق) قلیان را اختراع کرد.^(۳) گفته شده اکبر شاه اجازه دود کردن تنباکورا به اطرافیان خود داد، ولی چون طبیب بلندمرتبه او،^(۴) ابوالفتح گیلانی وی را از آن برحذر داشت، خود پرهیز کرد اما ابوالفتح را مأمور مطالعه و بررسی این گیاه کرد. ابوالفتح نیز پس از مدتی برای کم کردن زیان‌های آن، قلیان را اختراع کرد.^(۵) منبع این گزارش که الگود هم نقل کرده و همچنین گزارش بعدی او، هر دو از کتاب اطبای عهد مغول می‌باشد. چاندپوری مؤلف کتاب مذکور فقط منبع یک گزارش خود را ذکر کرده که کتاب اسدبیگ می‌باشد. اما گزارش اختراع قلیان توسط ابوالفتح گیلانی را بدون ذکر منبع

۱. تنباکو در ایران، ص ۱۷۳.

۲. درباره او ن. ک: دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۱۰۶ به بعد.

۳. الگود، سیریل؛ طب در دوره صفویه، ترجمه محسن جاویدان، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۵۷، ص ۴۹.

الگود بدون ذکر منبع خود، چنین ادعایی کرده و با فحوص و جستجویی که در متون و منابع آن دوره شد، مأخذ ادعای وی مشخص نشد.

۴. برای شناخت جایگاه این طبیب بزرگ ایرانی در هند و دربار اکبر شاه گورکانی ن. ک مقدمه تاریخ الفی، ج ۱، ص ۱۷ به نقل از مآثر رحیمی، ج ۳، ص ۸۴۷ و مآثر الامرا، ج ۱، ص ۵۵۸. وی یکی از بانفوذترین شخصیت‌های ایرانی در دربار اکبر بوده و با بسیاری از شعرا و دانشمندان ایرانی دیار هند ارتباط داشته، از جمله با شهید قاضی نورالله شوشتری مکاتباتی داشته است. همچنین رابط شاعران ایرانی با دربار هند بوده است.

۵. کرامتی، یونس: دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل مدخل ابوالفتح گیلانی.

نقل کرده است. وی نقل می‌کند در دربار اکبر، روزی یک جوان پرتغالی نمایش‌های عجیبی اجرا کرد. از جمله آنها دود کردن تنباکو توسط یک لوله گلی بود. شاه آن را به حکیم ابوالفتح داد تا آن را بررسی کند و وی پس از مدتی به شاه گزارش داد که دود این گیاه مضر و برای کاستن از ضرر آن باید از آب عبور کند.^(۱) در مجلس آن جوان پرتغالی، عبدالقادر بدایونی هم حاضر بوده و این کار شیطانی را برای فریفتن دانسته، اما در منتخب التواریخ او، اثری از این ماجرا نیست.

یک نکته در این باره قابل ذکر است. ابوالفتح در سال ۹۸۳ ق به دربار اکبر راه پیدا کرد و تا سال ۹۹۷ ق نزد وی بود. اگر سخن الگود را بپذیریم، این ماجرا باید در همین چند سال اتفاق افتاده باشد؛ ولی مأخذ قول الگود مشخص نیست و گویا همان کتاب اطبای عهد مغول باشد.

البته الگود از حکیم کمال الدین گیلانی، برادرزاده ابوالفتح نقل کرده که قلیان در سال ۱۰۱۴ ق در هند رایج شد.^(۲) از سوی دیگر گزارش دیگری در تأیید سخن حکیم کمال الدین و متفاوت با ادعای اول الگود، از وجود قلیان در هند هست که مربوط به دکن و بیجاپور است و از آنجا وارد دربار اکبر شاه شده. در این باره یک مورخ ایرانی به نام اسد بیگ قزوینی در دربار بابر بیان هند طی یک نقل مفصل، از رواج قلیان در این منطقه خبر می‌دهد. گوا این که قلیان در اواخر حکومت اکبر شاه (م ۱۰۱۴ ق) توسط

۱. چاندپوری، حکیم سیدعلی کوثر: اطبای عهد مغول، ترجمه سید جلیله شهیدی، تهران، چوگان، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۳۷.

اسدیگ از بیجاپور به دربار بابریان وارد شده و رایج می شود.^(۱) تاریخ دقیق ترین واقعه نیمه سال ۱۰۱۲ ق بوده است. به گزارش اسدیگ، در این زمان در دکن و بیجاپور آنقدر تنباکو و قلیان رایج بوده که انواع هنرهای تزئینی برای قلیان و لوازم آن به کار می رفته است.^(۲)

تذکره اشتهاب در اینجا بایسته است. در یک مقاله گزارش اسدیگ را مربوط به دوران ابوالفتح گیلانی دانسته و طبیبی که شاه را از دود تنباکو برحذر می دارد، ابوالفتح دانسته که از اطبای عهد مغول نقل شده است.^(۳) اما آن زمان رساله تاریخی اسدیگ در دست نبود. الان می دانیم که گزارش اسدیگ مربوط به اواخر عهد اکبرشاه یعنی سال های ۱۰۱۲ و ۱۰۱۳ ق و پس از فوت ابوالفتح (۹۹۷ ق) بوده است. طبق تصریح اسدیگ، حکیم علی در آن وقت در دربار بوده است.^(۴)

آخرین نکته در زمینه تاریخچه قلیان، آن که: در نخستین کتاب درباره تنباکو که در سال ۱۶۲۲ م (۱۰۳۱ ق) در هلند با عنوان جزوه تنباکوشناسی منتشر شده، عکس قلیان ایرانی با ظرافت و هنر پیچیده ای وجود دارد^(۵) و این ظرافت و هنر، یکدفعه صورت نگرفته است.

۱. نوروزی، جمشید: رواج تنباکو در قلمرو بابریان، دو فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات تاریخ اجتماعی، ش ۲، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵ و ۱۲۷.

۲. همان.

۳. فروحی، علی: پزشکان گیلانی دربار سلاطین مغولی هندوستان، گیلان نامه، ج ۲، به کوشش م. پ. جکناجی، رشت، طاعتی، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۲۸۹.

۴. قزوینی، اسدیگ: رساله تاریخ، تصحیح جمشید نوروزی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۶۸.

۵. تنباکو در ایران، ص ۱۷۴.

نقشه آثار اجتماعی، ادبی و سیاسی

با رواج تنباکو و قلیان در شهرهای بزرگ، کم کم آثار اجتماعی آن آشکار شد. دود به منازل و به خصوص قهوه‌خانه‌ها رسید و معشوقی برای ایرانیان شد. هنوز چند دهه‌ای نگذشته بود که همه جا شایع شد به گونه‌ای که متون دوره صفویه از متون فقهی گرفته تا متون تاریخی و ادبی گزارش تنباکو کشی و شیوع آن وجود دارد:

و غلیان در این زمان‌های نزدیک شایع گردیده و رگ و ریشه محبت آن بر سرزمین خاطر کل خلق جهان در اندک وقتی دویده که همگی محبوب و معشوقی که امروز تعشق به آن می‌ورزند غلیان است.^(۱)

بر اساس گزارش مذکور، با این که چند دهه از شیوع تنباکو و قلیان نگذشته، اما چنان شیوعی پیدا کرده بود که در اکثر خانه‌ها جایگاه اصلی پیدا کرده بود و هزینه قابل توجهی صرف آن می‌شد:

و هر که هست به قدر حال خود، نصف مؤونت یومیه او خرج تنباکو و غلیان می‌شود. بدین جهت معیشت مردم دشوار گردیده و هر شاگرد بقالی ده بیست سر غلیان نقره البته در خانه دارد که سرمایه یک ساله خورش و پوشش خانواده اوست و بضاعت تاجر است که هر ساله مبلغی کفایت از آن حاصل نماید.^(۲)

در یک سفرنامه خارجی آمده است: ایرانیان از مرد و زن چنان

۱. قزوینی، محمدعلی؛ رفیق توفیق، تصحیح رسول جعفریان، قم، مورخ، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۲۲۷.

۲. رفیق توفیق، ص ۲۲۸.

به تنباکو عادت دارند که با گرفتن تنباکو از آنها گویی جانشان را می گیرند. اغلب از نان می گذرند که از تنباکو نمی گذرند.^(۱)

در کنار این موضوع، مباحث مختلفی در کتب طبّی شروع شد که خود رساله مفصلی می طلبد تا موضع اطبا، برخورد آنها با تنباکو و قلیان، بیان ضررها و سودمندی آن و روش برخورد آنها را بازگو کند.^(۲) یکی از مهم ترین متون طبّی این دوره، تحفة المؤمنین تألیف در سال ۱۰۸۰ ق است که سخن او بعدها مورد استفاده دیگران قرار گرفت. بحث ابتدا درباره چپستی و منشأ آن و سپس درباره مزاج و خواص آن برای افراد مختلف است. در متون طبّی بعد و تا دوره قاجار، این مباحث گسترده تر می شود و خواص تنباکو به صورت جزئی تر مورد بحث قرار می گیرد.

به جز کتب طبّی، آنچه به صورت خواص تنباکو و دود کردن آن در دوره صفوی بر سر زبان ها بوده و دستاویز موافقان بوده، بیشتر تجربیات اطبا و مردم بوده که شایع شده و گاهی گزارش آنها به دست ما رسیده است. گزارش زیر، از یک جهت تأثیر اجتماعی این پدیده و موضع گیرهای اطراف آن را بیان می کند.

در رفیق توفیق آمده: با آن که ضرر تمام به جسم و جان می رساند، نفعی چند برای آن ثابت کرده، می گویند: جذب مواد بلغمی از دماغ و قلع آن از سینه، و بدین جهت امراض مزمنه را خصوصاً جذام و برص را قلع ماده دیرینه می نماید.^(۳)

۱. سفرنامه تاورنیه، ص ۱۹۹.

۲. تحفة المؤمنین، ج ۱، ص ۲۴۱؛ اکثر متون بعدی از او نقل کرده اند. مخزن الادویه، ج ۱، ص ۲۶۳؛ قریب الدین کبیر، ص ۸۲۹؛ مجربات اکبری، ص ۲۷۵؛ دقائق العلاج، ج ۲، ص ۴۷۰.

۳. رفیق توفیق، ص ۲۲۷.

از سوی دیگر مضار آن بدین شکل بیان شده: به وسیله کشیدن نفس، زور بسیار به بن دندان می‌رسد و سستی در اسنان حادث می‌گردد و همچنین جذب مواد فاسده از رأس و دماغ نموده، بنابر حرکت ماده نزله، گوشت دندان‌ها ضعیف می‌گردد و دود آن که به فضای صدر می‌رسد، مجروح گردانیده، مورث سعال می‌شود و بدین جهت ضیق النفس و خفقان بسیار شده، ضرر کلی به جسم و جان رسانیده و عمرها را کوتاه ساخته و هیچ کس به فکر آن نمی‌افتد و نقصان او را نمی‌بیند.^(۱)

افراط در تنباکوکشی، چنان بوده که پس از چند دهه شیوع آن، بیماری‌هایی مانند تنگی نفس، آسم و دیگر پیامدهای آن مانند مرگ و میر، مورد توجه اطبا قرار گرفته است.

نکته دیگر در این زمینه، اثرپذیری متون ادبی از ادبیات تنباکو و حواشی آن است. با ورود تنباکو، قلیان و سپس مواد مخدر گوناگون به شهرهای بزرگ، لایه‌های مختلف زندگی اجتماعی مردم تحت تأثیر قرار گرفت. در این بین، ادبیات فارسی با گستره وسیع آن از هند تا ایران اشاره‌های مکرر به تنباکو و قلیان داشت و شعرا آن را دست‌مایه مضامین شعری یا صور خیال کردند.

این امر در ارتباط با ادبیات قهوه‌خانه‌ای تقویت شد و شعرا و ادبا در اشعار و متون نثر از تنباکو و قلیان به وفور استفاده کردند. نمونه زیبای آن را در شعر منسوب به اهلی شیرازی دیدیم. به جز آن، موارد فراوانی از عهد صفوی در دست است.^(۲) گوا این

۱. همان.

۲. در این زمینه ن. ک: حدائق المعانی، ص ۴۴۰ به بعد که اشعاری از اهلی، وحید، باقر، قلندر و میرزا صائب دارد.

که شعرای فارسی زبان هند در این زمینه جلوتر بودند.^(۱) نظیری نیشابوری، ولی سرمد کاشی و به ویژه صائب تبریزی اشعاری در این زمینه دارند.

تنباکو چیست؟ آفت برگ امید
گلخن به از آن گلو که این دود کشید
از تنباکو نفع توان داشت گمان
از دود اگر خانه توان کرد سپید^(۲)

شاعران زیادی گرفتار قلیان شده بودند و درباره آن شعر گفتند. صائب تبریزی در یک غزل به بیان حال خود پرداخته:
تا کی ز دود غلیان دل را تباه سازی؟
این خانه خدا را تا کی سیاه سازی؟
تا کی برای دودی آتش پرست باشی؟
تا چند همچو حیوان با این گیاه سازی؟
تا چند شمع ماتم در بزم دل فروزی؟
هر دم که سربرآرد هم‌رنگ آه سازی
لوح وجود انسان آیینه‌ای خدایی است
این قسم مظهری را تا کی سیاه سازی؟

ذبیح الله صفا نیز به بخشی از این اشعار و زمینه اجتماعی آن اشاره کرده است. ن. ک: صفا، ذبیح الله: تاریخ ادبیات در ایران، تهران، فردوس، چاپ هشتم، ۱۳۷۸، ج ۵ بخش ۱، ص ۱۲۴.
۱. نظیری نیشابوری (م ۱۰۲۱ یا ۱۰۲۳ ق) در دیوان خود اشعاری درباره تنباکو دارد. ن. ک: براون، ادوارد: تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه بهرام مقدادی، تهران، مروارید، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۲۳۳.

۲. تاریخ ادبیات ایران، همان.

در یک شمار باشد جادو و دود، تا کی
 این قسم جادویی را از دل پناه سازی؟
 رنجی نبرده‌ای زان در سوختن دلیری
 یک برگ را نسوزی گر یک گیاه سازی
 خندید صبح پیری وقت سفیدکاری است
 طومار زندگی را تا کی سیاه سازی؟
 غلیان به کف ندارد جز اشک و آه چیزی
 تا کی به اشک جوشی، تا کی به آه سازی؟
 از ریشه گر برآری این برگ بی ثمر را
 هر موی بر تن خود زرین گیاه سازی
 هر دم که تیره نبود صبح گشاده رویی است
 صبح وجود خود را تا کی سیاه سازی؟
 گر ترک دودگیری، آئینه درون را
 در عرض یک دو هفته روشن چوماه سازی
 وقت است وقت صائب کز دود لب ببندی
 روشنگر دل خود ذکر اله سازی^(۱)

صائب به جز شعر، در یک متن ادبی به تعریف قلیان پرداخته و به صورت زیبایی آن را توصیف کرده است:
 بی تکلف اگر مهرگیاهش خوانم سزاست که سرپنجه
 تصرفش ریشه در دل خاص و عام دوانیده و بی خوشامد اگر زرین
 گیاه گویمش رواست... و زلف عنبرین دودش کمند رغبت در
 گردن جان انداخته، هر نفسی که فرو می رود ممد حیاتست

و چون برمی آید مفرح ذات. هزاردستان است که در هر چهار موسم نغمه سراسر است... سمندری است، کلاه گوشه آتشین بر سر شکسته... زهرهوارا تریاق است و چون عشق بخون گرمی مشهور آفاق. از هر لبی چاشنی مکیده و چون شیربه غور شکر رسیده... علم کاویانی از نی او سرافراز است و کوس صاحبقرانی از غلغل او بلند آواز.^(۱)

نکته آخر در این زمینه، آثار اقتصادی و سیاسی این پدیده است. با شیوع وسیع تنباکو، کاشت آن در مناطقی از ایران و به خصوص در جنوب ایران رایج شد. کم کم بحث اقتصادی آن مطرح شد و برای حکومت‌ها اهمیت پیدا کرد و به فکر اثرگذاری و مدیریت آن افتادند. از سوی دیگر در موارد متعددی گزارش‌هایی هست که از طرف دربار صفوی منع یا آزادی تنباکو و قلیان ابلاغ می‌شده است.^(۲) این امر به علت فشار علما یا تبعات اجتماعی و اقتصادی تنباکو بوده است. شاه عباس در سال ۱۰۲۷ ق وقتی شنید در لشکر او تعداد زیادی از سربازان معتاد به تنباکو کشی و قلیان شده‌اند، آن را قدغن کرد.^(۳) مسائل سیاسی و اقتصادی مطرح درباره تنباکو، خود رساله جداگانه‌ای می‌خواهد. اوج آن را در دوره قاجار و تحریم تنباکو می‌توان دید.

با توجه به آنچه گفته شد، با ورود تنباکو به ممالک اسلامی

۱. همایی، جلال الدین: تاریخ اصفهان مجلد حوادث و وقایع و حکام و سلاطین اصفهان، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۵۸۹.

۲. به طور مثال یک گزارش از سال ۱۱۲۱ ق، مبنی بر منع قلیان وجود دارد.

همچنین برای منع شاه صفی از تنباکون. ک: فواید الصفویه، ص ۴۴؛ سفرنامه تاورنیه، ص ۱۹۹.

۳. تاریخ اجتماعی ایران، ج ۷، ص ۲۳۳.

و اختراع قلیان در اوایل قرن یازدهم در هند، استعمال دود آن با عناوین شرب تنن و ... وارد مباحث فقهی مسلمانان شد. به تبع ورود آن به جامعه ایرانی، مباحث فقهی زیادی گرد آن در گرفت و به این ترتیب، تنباکو و قلیان وارد مباحث و کتب فقهی شد و گفتگوها آغاز شد. ابتدا مخالفت با آن زیاد بود و کم کم موافقانی پیدا شدند که جوآن روزگار را شکستند. ورود تنباکو و قلیان کشی به متون فقهی با عنوان «شرب تنن» آغاز شد.

✦ رساله‌های نگاشته شده درباره تنباکو و قلیان

برخورد علما و دانشمندان اسلامی با کشیدن قلیان و استعمال دود تنباکو به شیوه‌های مألوف بود. برخی به نگاشتن رساله مستقل پرداختند و برخی دیگر در خلال آثار فقهی خود این موضوع را بررسی کردند. مباحث علمی پخته و تحلیلی معمولاً در رساله‌ها و متون فقهی بیان شده و رساله‌های مستقل اوایل، معمولاً مایه علمی کمتری دارند؛ به خصوص رساله‌هایی که گرایش اخباری دارند، بحث علمی خاصی ندارند. البته بیان برخی جزئیات در خلال گزارش این رساله‌های مستقل اهمیت خاصی دارد که نمی‌توان از آنها چشم پوشید.

آنچه در ذیل می‌آید یک کتابشناسی مختصر از رساله‌های مستقل نوشته شده توسط عالمان مسلمان درباره قلیان و استعمال دود تنباکو است که بیانگر نظر موافقان و مخالفان است. البته آثار زیادی وجود دارد که در فرصت دیگری باید به آن پرداخت. در این فهرست جهت آگاهی از سیر بحث در بین مسلمانان، آثار دانشمندان مناطق دیگر جهان اسلام در آن زمان

آمده است. همچنین برای سهولت دسترسی، این فهرست به صورت الفبایی مرتب شده؛ ولی برای پیگیری سیربحث، توجه به تاریخ تألیف یا دوره زندگی مؤلف، مهم است:

۱. اعلام الاخوان بتحريم الدخان از ابن علان مکی.^(۱)
۲. اقامة البرهان على حلية القهوة والقلیان از سید ابوالحسن علی بن نقی رضوی لکهنوی.^(۲)
۳. الادراک لضعف ادلة تحريم التنباک از محمد بن اسماعیل بن صلاح صنعانی (م ۱۱۸۲ ق).^(۳)
۴. تبیان فی احکام شرب الدخان از ابوالخیر محمد معین الدین کروی کاظمی.^(۴)
۵. التحذیر من تدخين التنباک از عبدالرحمن بن علی سقاف (م ۱۲۹۲ ق).^(۵)
۶. تحفة الحبيب فی حرمة مص الغليان از میرزا محمد اخباری.^(۶)
۷. تحفة الخاقان فی حرمة شرب الغليان از میرزا محمد اخباری.^(۷)

۱. هدية العارفين، ج ۲، ص ۲۸۳.

۲. تهرانی، آقا بزرگ؛ الذریعة. تهرانی، آقا بزرگ؛ الذریعة الی تصانیف الشیعه، قم، اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق، ج ۲، ص ۲۶۳.

۳. کتابخانه دیجیتال کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مشار:

<http://94.232.175.44/index.aspx?pid=29>

۴. تبیان فی احکام شرب الدخان، هند، مطبع نامی منشی نولکشور، ۱۳۰۱ ق.

۵. زرکلی، خیرالدین؛ الاعلام، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ هشتم، ۱۹۸۹ م، ج ۳، ص ۳۱۸.

۶. الخشن، حسین احمد؛ فی فقه السلامة الصحیة (التدخين نموذجاً)، بیروت، مرکز ابن ادریس الحلی للدراسات الفقهیة، ۱۴۲۸ ق، ص ۷۴.

۷. همان.

۸. تحفة النساك فى شرب التنباک از سید عبدالرحمن بن سلیمان اهدل یمنی.^(۱)

۹. تحقیق البرهان فى شأن الدخان الذى يشربه الناس الآن از مرعى بن یوسف کرمی مقدسى حنبلى (م ۱۰۳۳ ق).^(۲)

۱۰. ترویج الجنان بتشریح حکم الدخان از محمد بن عبدالحی لکنوی (م ۱۳۰۴ ق).^(۳)

۱۱. التعلیق الاثیق از سید علی محمد نوه سید دلدار علی لکهنوی (م ۱۳۱۲ ق) در عدم مفطريت دخان.^(۴)

۱۲. التنباکیه از حسام الدین ماچینی. طبق گفته آقا بزرگ نزدیک به زمان اختراع قلیان و شیوع آن (سال ۱۰۱۲ ق) نوشته شده است.^(۵)

۱۳. التنباکیه از فردی با نام محمد حسین بن محمد مقیم. این رساله طبق گفته صاحب ریاض العلماء، از کتاب ماچینی انتحال شده است.^(۶)

۱۴. التنباکیه از میرزا محمد اخباری (م ۱۲۳۲ ق). وی چند رساله دیگر در این زمینه دارد که شاید برخی از آنها یکی باشد. به علت عدم دسترسی به آنها، فعلا به ذکر نام آنها بسنده می شود.
۱۵. التنباکیه. حاج عبدالله بن حاج حسین بابا سمنانی کتاب ماچینی را به امر سید علی بن حسن شدقم حسینی مدنی

۱. قنوجی بخاری، صدیق بن حسن؛ أبجد العلوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۱۵۴.

۲. هدیه العارفین، ج ۲، ص ۳۸۵.

۳. الذریعه، ج ۴، ص ۲۲۱.

۴. همان، ج ۴، ص ۴۳۶.

۵. همان.

- به عربی ترجمه کرده و مطالبی بر آن افزوده است.^(۱)
۱۶. تنبیه الغافل الشاک بتحريم التنباک از احمد بن عوض ظفاری (م ۱۲۲۱ ق).^(۲)
۱۷. تنبیه الغفلان فی منع شرب الدخان از محمد بن علی جمالی مغربی (م ۱۱۲۹ ق).^(۳)
۱۸. تنبیه ذوی الادراک بحرمة ما تناول التنباک از ابن علان مکی (م ۱۰۵۷ ق).^(۴)
۱۹. الجواهر الحسان فی حل شرب الدخان از عیسی بن عیسی سفتی (م ۱۱۴۳ ق).^(۵)
۲۰. حرمة التنباک و القهوة از میرزا محمد اخباری.^(۶)
۲۱. الخطاب الفاصل ترجمه فصل الخطاب، کتابی فارسی از سید علی محمد نوه سید دلدار علی در حلیت شرب دخان.^(۷)
۲۲. درة الاسلاک فی حکم دخان التنباک، از میرزا محمد بن عبدالوهاب همدانی (م ۱۳۰۴ ق).^(۸)
۲۳. رسالة الدخان از شعبان بن اسحاق اسرائیلی مشهور به

۱. الذریعه، ج ۴، ص ۴۳۶.

۲. کتابخانه دیجیتال کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مشار.

۳. هدیة العارفین، ج ۲، ص ۳۱۴.

۴. کشف الظنون، ج ۴، ص ۴۸۶. نام وی در کشف الظنون محمد بن علان و در ایضاح المکنون محمد بن علی بن علان و در التاریخ و المورخون بمکه، محمد علی بن علان ضبط شده است. همچنین در التاریخ و المورخون بمکه ص ۳۳۹، نام کتاب تحفة ذوی الادراک فی المنع من التنباک آمده است.

۵. هدیة العارفین، ج ۱، ص ۸۱۱.

۶. فی فقه السلامة الصحیة، ص ۷۴.

۷. الذریعه، ج ۷، ص ۱۸۲.

۸. همان، ج ۸، ص ۹۰.

ابن حافی.^(۱)

۲۴. رساله الدخان.^(۲)

۲۵. رساله شرب القلیان از شیخ محمدتقی رازی نجفی اصفهانی (م ۱۲۴۸ ق).

۲۶. رساله شرب القلیان از محمدرضا بن عبدالله یزدی.^(۳)

۲۷. رساله فی بیان حکم شرب التتن و القهوه یا محاکمه من الشیخ محمد المسمی بالحربعد نقل ملخص دلائل من ذهب الی تحريم شرب التتن و دلائل من قال بتحريم القهوه المعمولة من التتن از شیخ حر عاملی.^(۴)

۲۸. رساله فی التتن از میرزا محمد فیاض سبزواری برادر محقق سبزواری.^(۵)

۲۹. رساله فی الدخان از آلاشهری (م ۱۱۹۰ ق).^(۶)

۳۰. رساله فی الغلیان از محمد علی قزوینی به فارسی.^(۷)

۳۱. رساله فی تحريم التنباک از محمد بن علی واعظ.^(۸)

۳۲. رساله فی تحريم الدخان از عبدالملک بن جمال الدین عصامی (م ۱۰۳۷ ق). این رساله در سال ۱۰۳۵ ق نوشته شده

۱. همان.

۲. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله؛ کشف الفنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، دار إحياء التراث العربي، بی تا، ج ۴، ص ۸۶۳.

۳. حکیم، سید محمد حسین؛ نسخه شناسی آثار علامه کلباسی و ابوالمعالی، تهران، امیرکبیر - اشارات، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۳۷.

۴. این رساله به کوشش استاد رسول جعفریان در میراث اسلامی ایران ج ۷، ص ۸۱ به بعد چاپ شده است؛ همچنین متن آن در الفوائد الطوسیه، ص ۲۲۴ به بعد آمده است.

۵. الذریعه، ج ۱۱، ص ۱۳۶، ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۱۱.

۶. هدیة العارفین، ج ۱، ص ۶۶۰.

۷. الذریعه، ج ۱۶، ص ۵۹.

۸. کتابخانه دیجیتال کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مشار.

است.^(۱)

۳۳. رسالة في تحليل التتن و القهوة از شيخ سليمان شاخوری بحرانی (م ۱۱۰۱ ق).^(۲)

۳۴. رسالة في تفتير الغبار والدخان از ابوالمعالي كلباسی (م ۱۳۱۵ ق).^(۳)

۳۵. رسالة في تفتير شرب التتن للصيام از حاج محمد ابراهيم كلباسی (م ۱۲۶۲ ق).^(۴)

۳۶. رسالة في حرمة شرب التتن از زين الدين على بن سليمان بحرانی (م ۱۰۶۴ ق).^(۵)

۳۷. رسالة في حرمة شرب التتن از سيد جعفر سبزواری مشهدی معاصر آقا محمدخان قاجار.^(۶)

۳۸. رسالة في حرمة شرب التتن از سيد نصرالله موسوی حائری (م ۱۱۵۳ ق).

۳۹. رسالة في حرمة شرب التتن از شيخ داود بن حسن جزائری.^(۷)

۴۰. رسالة في حرمة شرب التتن از شيخ على نقی كمره‌ای (م ۱۰۶۰ ق). این کتاب در نیمه ذی قعدة ۱۰۴۸ ق در شیراز تألیف شده است.^(۸)

۱. عواد، كوركيس: الذخائر الشرقية، بيروت، دارالغرب الإسلامي، ۱۹۹۹ م، ج ۴، ص ۳۵۳.

۲. الذريعة، ج ۱۱، ص ۱۴۰.

۳. همان، ص ۱۵۳.

۴. همان، ص ۱۵۲.

۵. همان، ص ۱۷۴.

۶. همان، ص ۱۷۳.

۷. همان، ج ۱۱، ص ۱۷۳.

۸. رياض العلماء، ج ۴، ص ۲۷۳.